

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۶۰۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

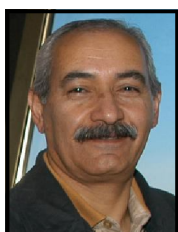
نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۸ دی ۱۳۹۰، ۱۸ ژانویه ۲۰۱۲

سردبیر: عبدال گلپریان

جریانات ناسیونالیست کرد و نمایش انتخاباتی رژیم اسلامی



عبدال گلپریان

صفوفش درهم ریخته است و
استیصال و درماندگی سرپای
حکومت اسلامی را فرا گرفته
است.

بعد از حرکت انقلابی مردم در
سال ۸۸ و همچنین انقلابات سال
گذشته در کشورهای عربی و بویژه
آخرین نفسهای عمر رژیم سوریه
بعنوان تنها هم پیمان رژیم
اسلامی در منطقه، اکنون دیگر

صفحه ۳

سران و کاربدهای رژیم
اسلامی در تدارک نهمین دور از
معرکه گیری انتخاباتی شان از هم
اکنون و فراتر از دوره های گذشته
هیاهو و جارو جنجال براه انداخته
اند. خودیهای درون حکومت این
نمایش را مضحکه نام نهاده اند.
مجاهدین انقلاب اسلامی، جبهه
مشارکت و افراد حامی نظام آنرا
زیر سؤال برده اند همچنین احزاب
و جریانات ناسیونالیست کرد آنرا
تحریم کرده اند و طیف اصلاح
طلبان کرد نیز هشدار می دهند که
بر اساس موازین انتخاباتی و در
چهار چوب قانون اساسی آنرا اجرا
کنند.

رژیم اسلامی در حالی به
استقبال این مضحکه می رود که
با عمیق ترین بحران سیاسی،
اقتصادی و اجتماعی روبرو است،

مضحکه ای بنام انتخابات

هوادارانش در قم است. خامنه ای
می خواهد طوری وانمود کند که
همه چیز در امن امان است و هیچ
اتفاقی نیافتاده و نمی افتد. اما با
نگاهی گذرا به اوضاع جهان و
منطقه و ایران در دل این اوضاع می
بینیم که این انتخابات در چه شرایط
زمانی مشخصی می خواهد
برگزار شود و مسئولان این نظام
چگونه با باند بازی مضحکه
انتخاباتی شان را انجام می دهند.

صفحه ۳



محمد امین کمانگر

"حضور مردم در این انتخابات
دشمن شکن خواهد بود". این جمله
از سخنرانی خامنه ای در جمع

مردم و جنبش کارگری نهایتا پیروز این جنگ خواهند بود

مصاحبه ایسکرا با محمد آسنگران



ایسکرا: آخرین خبر از وضعیت
فعالین کارگری که در سنندج
دستگیر شده اند چیست. از دیگر
فعالین کارگری بازداشت شده خارج
از کردستان چه خبر و چرا این
دستگیرها در این ابعاد آغاز شده
است؟

آسنگران: طبق اخبار و

گزارشاتی که تا کنون منتشر شده
است، در ادامه بازداشت و تحت
فشار قرار گرفتن فعالین کارگری در
ایران، سه نفر از فعالین کارگری در
سنندج نیز بدون هیچ دلیلی
بازداشت شده اند. یا دقیقتر باید
گفت به دلیل دفاع از حقوق خود و
هم طبقه ای هایشان بازداشت شده
اند. معلوم است که دفاع از حقوق
کارگران و مردم تحت ستم در
جمهوری اسلامی جرم محسوب
میشود و به همین دلیل این فعالین
کارگری هم بازداشت شده اند. سه

صفحه ۲

گزارشی از دو هفته تجمع و اعتراض برای آزادی کارگران زندانی در سنندج / چکیده ای از اطلاعیه های کمیته کردستان حزب

اطلاع از محل نگهداری مظفر به
ستاد خبری وزارت اطلاعات و
اطلاعات نیروی انتظامی مراجعه
می کند اما هر دو نهاد از محل
نگهداری وی اظهار بی اطلاعی می
کنند.

* بنا بر همین گزارش مظفر
صالح نیا حدود دو هفته پیش از

صفحه ۴

امنیتی جمهوری اسلامی بطور
توهین آمیزی اقدام به تفتیش منزل
وی کرده و در مقابل چشمان دخترش
به مظفر تعرض کرده و کاپشن او
پاره میشود و نهایتا مامورین
جمهوری اسلامی با ضبط کامپیوتر
او مظفر را با خود به مکان
نامعلومی میبرند. پس از این
دستگیری، همسر او جهت کسب

* مظفر صالح نیا از اعضای
هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران
ایران، صبح روز ۱۵ دی ماه دستگیر
شد. در این روز ۵ نفر از مامورین
امنیتی جمهوری اسلامی در شهر
سنندج به محل کار وی رفته و پس
از تفتیش آنجا وی را دستگیر و
جهت تفتیش منزل به خانه وی
میروند. بنا بر این گزارش مامورین

دولت و رو بنای سیاسی / فرهنگ، ایدئولوژی و اخلاق

ادامه بخش یک از فصل دوم / برنامه یک دنیای بهتر

صفحه ۶

شیث امانی چهره محبوب و از رهبران کارگری شناخته شده در شهر سنندج دستگیر شد

صفحه ۵

راه چاره خودکشی نیست! / آوات فرخی

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگری و عضو کمیته پیگیری را در محل کارش در تبریز بازداشت کرده اند. قبل از شاهرخ زمانی، محمد حسینی یکی دیگر از فعالین کارگری را نیز در دماوند بازداشت کرده و او را به زندان فیروزکوه منتقل کرده بودند.

علاوه بر این موارد همه میدانند که تعداد دیگری از فعالین کارگری و از جمله رضا شهابی، علی نجاتی، ابراهیم مددی، بهنام ابراهیم زاده و رسول بدایعی که تنها جرمشان دفاع از حقوق انسانی خود و دفاع از حقوق همکاران و هم طبقه ایهای خود بوده است، همچنان و بعد از ماه ها و سالها در زندان بسر میبرند.

این نوع اقدامات سرکوبگرانه علیه فعالین کارگری و همه فعالین معترض در جامعه امر همیشگی جمهوری اسلامی بوده است. اما گسترش این بازداشتها و تعرض اخیر به فعالین کارگری در شرایط خاص امروز اتفاق میافتد. از یک طرف در سطح جهانی ما شاهد جنبش ضد سرمایه داری در جهان غرب هستیم و از طرف دیگر رژیمهای دیکتاتور و سرکوبگر منطقه یکی بعد از دیگر مورد تعرض مردم قرار میگیرند و سرنگون میشوند. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی با طرح اصلاح قانون کار و حذف یارانه ها تعرض بیرحمانه به سطح معشیت طبقه کارگر و مردم ایران را بیش از پیش تشدید کرده است. این فشار کمر شکن و غیر قابل تحمل به طبقه کارگر و همه مزدبگیران جامعه، با عکس العمل هشدار دهند فعالین کارگری و تشکلهای موجود کارگران مواجه شده است. حکومت اسلامی از ترس گسترش یافتن اعتراضات، فعالین و رهبران کارگری را دستگیر میکند.

بویژه با گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری در مراکز مختلف کار در ایران از جمله اعتصاب مهم کارگران پتروشیمی های ماهشهر علیه قراردادهای پیمانی و شرکتهای پیمانکار و موفقیت نسبی این بخش مهم کارگران، جمهوری اسلامی بیش از پیش از ناحیه جنبش کارگری احساس خطر میکند. جمهوری اسلامی میخواهد با

اقدامات پیشگیرانه یعنی دستگیری فعالین کارگری و زهر چشم گرفتن از جامعه، مانع رشد و گسترش این اعتراضات علیه توحش سرمایه در ایران بشود.

بازداشتهای اخیر فعالین کارگری و نگهداشتن دیگر فعالین کارگری در زندان، علیرغم اعتراضات وسیع سازمانهای کارگری در بعد داخلی و بین المللی را تنها میتوان در این متن توضیح داد. واقعیت این است جمهوری اسلامی نمیتواند با تحمیل دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر به مزدبگیران و اکثریت قریب به اتفاق جامعه و همزمان حذف یارانه ها و تغییر قانون کار یا به قول خودشان "اصلاح" قانون کار ضد کارگری بیش از پیش به نفع سرمایه داران، انتظار داشته باشد با اعتراض و نارضایتی جامعه مواجه نشود.

بنابر این جمهوری اسلامی میداند که در خطر اعتراض و تعرض جامعه بویژه جنبش کارگری قرار گرفته است. به همین دلیل تنها راه دفاع از حاکمیت خود و ادامه دزدیهای میلیاردری سران و مقاماتش را در تحمیل فقر به جامعه و گسترش سرکوب و تعرض به مخالفین، بویژه رهبران و فعالین کارگری میبیند.

گسترش اقدامات سرکوبگرانه و بازداشتهای اخیر در سنجند که فعالین و رهبران کارگری را مورد هدف اصلی خود قرار داده است، تاکید دیگری بر این واقعیت است که جمهوری اسلامی از ناحیه جنبش کارگری احساس خطر بیشتری میکند و میخواهد این جنبش پویا و در حال رشد را در نطفه خفه کند. هدف جمهوری اسلامی از این تعرض بیرحمانه به فعالین کارگری و بازداشت و تحت فشار قرار دادن آنها این است که جنبش کارگری را از تکاپو برای رهایی خود و جامعه از این برزخ فقر و فلاکت باز دارد.

حمایت از فعالین کارگری بازداشت شده و تلاش برای رهایی آنها و همه زندانیان سیاسی از چنگ جمهوری اسلامی وظیفه همه احزاب و سازمانها و فعالینی است که خود را مدافع حقوق انسانی و زندگی بهتر برای مردم معرفی میکنند. رهایی از این فقر و فلاکت جهنمی که

جمهوری اسلامی به جامعه تحمیل کرده است باید با ایجاد صفی متحد و یک پارچه علیه توحش سرمایه داران و دولت آنها پاسخ بگیرد.

جنبش کارگری با توجه به موقعیتی که هم اکنون کسب کرده است، و با توجه به صف وسیعی از فعالین و رهبران و سخنگویان رادیکال و جسور خود و مهمتر از همه با توجه به نقش و جایگاهی که در تولید و اقتصاد جامعه دارد، میتواند با پرچم رهایی کل جامعه از فقر و فلاکت تحمیل شده، متحدانه به میدان بیاید و جامعه را از این برزخ کنونی نجات بدهد. واضح است که در قدم اول باید قاطعانه از رهبران و فعالین و سخنگویان خود حمایت کند و آنها را از چنگال این رژیم جانی نجات بدهد. جنبش کارگری و فعالین و سازمانهای کارگری در ایران در موقعیت مهم و سرنوشت سازی قرار گرفته اند.

اوضاع سیاسی دو سال اخیر، اتفاقات بعد از حرکت میلیونی مردم در ایران، تجارب غنی بدست آمده و بویژه نقش پیشرو، پویا و تعیین کننده جنبش کارگری که در زیر تشدید خفقان و سرکوب جمهوری اسلامی بعد از سرکوبهای خونین سال ۸۸ همچنان ادامه دارد، این پویایی و پیشروی جنبش کارگری و ادامه تلاش برای سازمان یابی در این جنبش، توقع جامعه از جنبش کارگری را چند برابر کرده است. پیشروی و پویایی جنبش کارگری بویژه در دو سال اخیر که در شرایط بسیار سخت و پیچیده ای اتفاق افتاده است، انتظار جامعه از این جنبش و از رهبران و سازمانهای کارگری را بالا برده است و باید به این انتظار جواب درخور داده شود. تلاش فعالین و رهبران و سازمانهای کارگری در این راستا حساسیت جمهوری اسلامی به این فعالین را چند برابر کرده است و تعرض به فعالین و دستگیری آنها برای خنثی کردن این تلاشها است.

ایسکرا: صحبت شما به مردم سنجند و فعالین و تشکلهای کارگری برای آزادی این فعالین چیست؟ رهبران و فعالین و تشکلهای و سازمانهای کارگری و مدافع حقوق انسانی در این شرایط چه اقداماتی باید انجام بدهند؟

آسنگران: تا جایی که به جدال مردم و فعالین و رهبران کارگری علیه جمهوری اسلامی در سنجند مربوط است، باید بگویم که بدون شک مردم و جنبش کارگری نهایتاً پیروز این جنگ خواهند بود. فعالین و کارگری در سنجند تجربه و خود آگاهی قابل اتکالی در تقابل با جمهوری اسلامی و سرمایه داران دارند. سنجند یکی از کانونها و مراکز پر قدرت جنبش سوسیالیستی بوده و هست. سنجند بعد از انقلاب سال ۵۷ تا کنون در مقاطع مختلف کانون و مرکز تحولاتی بوده است که سرمشق بخشهای دیگر جامعه و راه پیشروی و پیروزی را نشان داده است.

از مقاومت سال ۵۸ گرفته که جریانات مفتی زاده و مرتجعین اسلامی را حاشیه ای کرد و حاکمیت رژیم تازه به قدرت رسیده اسلامی را نپذیرفت، تا مقاومت جسورانه و طولانی مدت در مقابل نیروهای مسلح و بیرحم این رژیم، از سازمان دادن مراسمهای روز جهانی کارگر در اواسط دهه ۶۰ میلادی گرفته تا ایجاد تشکل کارگری در همین ایام و به میدان آمدن صفی از کارگران و رهبران کارگری در آن شرایط که دوران اوج توحش اسلامی و تشبیت این رژیم خونخوار بود، از سازمان دادن روز جهانی زن در ابعادی وسیع و توده ای گرفته تا سازمان دهی روز جهانی کودک به عنوان یک پدیده تازه در سیاست و فرهنگ ایران، از تجمع و اعتراض وسیع در مقابل قتل عمد دولتی و مجازات اعدام گرفته تا سازمان دهی اعتصابات عمومی علیه کشتار فعالین سیاسی همراه دیگر شهرهای کردستان، از به میدان آمدن فعالین کارگری به اسم و رسم خود گرفته تا دفاع این فعالین از حقوق کارتن خوابها و کودکان خیابانی و... همگی تجربیاتی هستند که ابتدا از سنجند به امر توده وسیعی از مردم تبدیل شده و در قدمهای بعدی ما شاهد بروز و گسترش این تجربیات در دیگر شهرهای ایران هستیم.

این بار هم انتظار این است که مردم سنجند و جنبش رادیکال و سوسیالیستی و فعالین کارگری و رهبران لایق این جامعه در این شهر جواب در خور و قاطعی به این توحش رژیم اسلامی بدهند. من شکی در این واقعیت ندارم که مردم

و فعالین و رهبران کارگری آگاه تر و متحد تر از آن هستند که جمهوری اسلامی بتواند با این دستگیریها خللی در اراده متحدانه و جسورانه آنها بوجود بیاورد.

خطاب من به رفقای کارگر و فعالین و رهبران کارگری سنجند این است که صف متحد و یک پارچه خود را همچنان ارج بگذارند. این صف را محکمتر و وسیعتر کنند. همه فعالین و تشکلهای و رهبران کارگری و همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب لازم است یک صدا و متحد اعلام کنند فعالین کارگری زندانی را و همه زندانیان سیاسی فوری و بدون قید و شرط باید آزاد شوند.

لازم است عکس و پوستر این فعالین کارگری به عنوان رهبران واقعی و لایق جامعه در سطح شهر توزیع و به همه معرفی شوند. با امضا طومار در محلات و مراکز کار در دانشگاه و مدرسه و در همه تجمعات و خیابانها، یکپارچه اعلام شود دستگیری این فعالین کارگری را محکوم میکنند و خواهان آزادی فوری آنها بدون هیچ عنر و بهانه ای هستند.

لازم است همه تشکلهای کارگری ایران طی یک بیانیه واحد خواهان آزادی همه فعالین کارگری شوند و دستگیریهای اخیر را محکوم کنند.

همه فعالین کارگری و آزادیخواهان در سنجند در عین حال باید هر کدام به عنوان یک خبرنگار همه رسانه ها را از وقایع شهر مطلع کنند و با منتشر کردن اطلاعاتی و بیانیه و مطالب مختلف و گزارش و مصاحبه با رسانه ها، جامعه را از گوشه و زوایای مشکلات مردم و فعالین باز داشت شده مطلع کنند و خواهان حمایت وسیعتر و اتحاد محکمتری بین مردم علیه زورگویان و سرکوبگران بشوند. این موارد علاوه امکانات و ابتکارات دیگری که فعالین و آزادیخواهان خود آنرا مفید میدانند، و اعتصابات و اعتراضات خطاری در محل کار و آموزش راههایی است که میتواند توجه عمومی مردم ایران و جهان را به این موضوعات جلب کند و سرکوبگران را ناچار به عقب نشینی نماید.

از صفحه ۱ جریانات ناسیونالیست کرد و ...

ریش و پشم حکومت اسلامی تماماً ریخته است. مضحکه انتخابات دوره نهم در حالی صورت می گیرد که حامیان نظام آنرا بی پایه خوانده اند. این نمایش در حالی قرار است اجرا شود که اصول گرایان و دولتی ها که هم اکنون در قدرت هستند، برای تداوم اختلاس، دزدی، قتل و جنایت علیه مردم، بجان هم افتاده اند. علاوه بر این رژیم اسلامی در سطح بین المللی نیز در بالاترین حد از انزوا قرار گرفته است. عمق تنفر و ناراضیتهای عمومی در میان مردم در حال اوجگیری مجدد است. اوضاع اقتصادی در هم ریخته، فقر و فلاکت و دهها معضل دیگر اجتماعی آن تصویری است که سران حکومت اسلامی می کوشند تا با براه انداختن جار و جنجال در نمایش انتخاباتی شان آنرا بروی نا مبارک خود نیابورند.

در این میان احزاب و نیروهای سیاسی و طیفهای مختلف از جریانات ناسیونالیست کرد که در گذشته هر یک به نحوی تلاش داشتند مردم را بسوی مضحکه انتخاباتی رژیم اسلامی هدایت کنند و در این راه ناکام می ماندند، اکنون یکی پس از دیگری دارند اعلام می کنند که این نمایش را تحریم می کنند. البته این جریانات خواب نما نشده اند. هر یک از این نیروها و بنا به مواضع مشترک و متفاوتی که با هم دارند، در نمایشات انتخاباتی رژیم در دوره های قبل سرگرم توهم

پراکنی در میان مردم و چانه زنی در بالا بودند. سیاست احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد همیشه بر این اصل استوار بوده است که شخصیتها و افرادی را که کمترین گرایش سیاسی را با آنان دارند به مجلس حکومت بفرستند. اما اوضاع سیاسی در داخل، تحولات منطقه، تنفر عمیق مردم از رژیم اسلامی، اعتراض و ناراضیتهای عمومی و دهها مولفه دیگر، آنان را ناچار کرده است که در هم ریختگی و به گل نشستن کشتی نظام اسلامی را تا حدودی روئیت کنند. مواضع اخیر این جریانات آبرویاختگی آنان را بیشتر برملا ساخته و حاشیه ای تر کرده است.

درمانده و وامانده ترین این طیف، چند نفری هستند که با نام "جبهه متحد کرد" شناخته می شوند. عناصری از این طیف نظیر بها ادب، جلالی زاده و غیره در دوره های پیشین دست در گردن سران رژیم اسلامی در مجلس حضور بهم رسانیده اند. اکنون پس مانده های آنان که خود را "اصلاح طلبان کرد" معرفی می کنند، سرگردان و رانده شده از همه جا، با قسم خوردن به سر قانون اساسی رژیم، کماکان دارند به حکومت توصیه می کنند که موازین انتخابات را دقیق و بر اساس قانون اساسی پیش ببرند.

در حالیکه جبهه مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی نمایش انتخاباتی رژیم را زیر سؤال برده و آنرا برسمیت نمی شناسند و

طرفدارانی پرو پا قرص از خود حکومت نیز رد صلاحیت شده اند، معلوم است که فراخوان دهندگان دوره های قبل در میان جریانات ناسیونالیست کرد در دعوت برای شرکت مردم در انتخابات های گذشته، در این دوره، دلیلی برای کاسه گرمتر از آش بودن ندارند.

چه در دوره های پیشین نمایشات انتخاباتی و خصوصاً در شرایط فعلی که تنها آرزو و هدف مردم بزیر کشیدن حکومت اسلامی است، مردم شهرهای کردستان کمترین توهمی به احزاب و نیروهای ناسیونالیست و اصلاح طلب بیرون و درون حکومت نداشته اند. اما بخوبی می دانند که مواضع اخیر جریانات ناسیونالیست کرد در برخورد به مضحکه انتخاباتی و پا پس کشیدنشان در این دوره در ناتوانی از بازار گرمی در جهت اهداف شان، ناشی از در هم ریختگی پیکر کل حکومت اسلامی و همچنین به بن بست رسیدن اهداف و افق این جریانات است.

مردم می دانند که این دوره نیز همانند دوره های گذشته، چنین نمایشاتی رژیم اسلامی را از مخصمه و بحرانی که با آن زاده شده و اکنون به نقطه اوج خود رسیده است نجات نخواهد داد. جار و جنجال نمایش انتخاباتی دوره نهم مجلس حکومت، تقلابی برای سر پا نگه داشتن نظام فاسد و پوسیده ای است که با قد راست کردن مجدد انقلاب، مردم کل این بساط را جارو خواهند کرد.

۱۶ یانویه ۲۰۱۲

از صفحه ۱

حد زمانی (شرایط ویژه)، هم وزن با انتخابات ریاست جمهوری است. بحران نظام سرمایه داری و شرایطی که از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر جهان حاکم شده مخصوصاً در خاورمیانه، منزوی شدن هر چه بیش و بیشتر نظام اسلامی ایران در این شرایط جهانی. پروژه بند زدن به یکه تازیهای این حکومت در سطح منطقه از طرف غرب و هر چه تنگ تر کردن حلقه محاصره اقتصادی تا قطع صدور نفت به عنوان شاه رگ اقتصادی حکومت، خصوصاً ادامه انقلابات در سطح منطقه، احتمال حمله نظامی به تأسیسات هسته ای، در انزوا قرار گرفتن رژیم بشار اسد و سرنگون شدن قریب الوقوع این حکومت به عنوان یکی از نزدیک ترین حکومتهای هم پیمان رژیم اسلامی، حکومت اسلامی را زمین گیر کرده است. مضاف بر این بحران دیگر و شکاف سیاسی ای که در درون این سیستم مافیایی دهن باز کرده، ریزش و شکاف عمیقتر جناحها را در پی دارد.

اگر دقیق به درون شکاف جناحها نگاهی بیاندازیم، در چنین شرایطی مهره ها یا خود کنار می روند یا کنار گذاشته می شوند. این وضعیت گویای موقعیتی است که خود رهبر با بیت رهبری در آن گرفتار آمده اند. این بحران به یمن انقلاب مردم در سال ۸۸ به اوج خود رسید. مسئله دیگر نامه هایی است که در رابطه با اوضاع و شرایط امروز ایران و منطقه پس از حرکت

مضحکه ای بنام ...

انقلابی ۸۸ از طرف بعضی از مخالفان خامنه ای و یا جناح اقتدارگرا نوشته می شود از جمله محمد نوری زاد نویسنده روزنامه کیهان و چاکرمنش ترین طرفدار خامنه ای که در سال ۸۸ به صف منتقدین پیوست، هر چند پس از نوشتن سومین نامه او را دستگیر و روانه زندان کردند، و نامه جدید سردار حسین علایی که پس از تشکیل نیروی دریایی سپاه در سال ۱۳۶۴ فرمانده نیروی دریایی سپاه شد. علایی اوضاع امروز حکومت اسلامی را با اواخر زمان شاه مقایسه کرده است و به دیکتاتور اسلامی هشدار داده و فهمانده است که به انتهای خط رسیده است و این اوضاع چنین نمی ماند. نامه علایی به خامنه ای در میان خودیها بحث و جمل زیادی را به پا کرده است. اقرار، یا صحبت یکی دیگر از سرداران سپاه، در سال ۸۸ ایشان شنیده اند که راننده اش با یکی از دوستانش تماس گرفته می گوید که اگر این آقا بسوی مردم شلیک بکنند خودم او را می کشم دزدیهای میلیاردی مسئولین حکومتی که سرش در مجلس و تنش در بیت رهبری است، می رود تا در نمایش انتخاباتی جان بگیرد. چنین شرایطی را مهمترین فاکتور تعیین کننده در تحولات سیاسی جامعه یعنی بیش از ۷۰ میلیون مردم ناراضی علیه نظام کثیف اسلامی به آنها تحمیل کرده است.

۱۴ ژانویه ۲۰۱۲

گزارش از تجمع و اعتراض خانواده ها ...

از صفحه ۴

رژیم را وادار به آزادی دستگیرشدگان کرد. با هر دستگیری باید شبکه هائی از مردم مبارز بوجود آید و با اطلاع رسانی هر چه بیشتر و تماس های هرچه بیشتر با مردم اعتراض علیه این دستگیری ها گسترش یابد. باید با هر دستگیری تعداد هرچه بیشتری از مردم به تشکل های کارگری پیوندند و از آنها حمایت کنند. سرکوبگران باید بدانند که با دستگیری هر فعال کارگری

اعتراضی خود ادامه دهند. در و دیوار شهر را باید با عکس و پوستر کارگران زندانی پر کرد. باید در مقابل این تعرض رژیم اسلامی به فعالین کارگری ایستاد. نباید اجازه داد که سرکوبگران عزیزان ما را در زندان نگهدارند. باید خانواده ها، همکاران و مردم معترض شهر را خبر کرد و در مقابل زندان ها و بیدادگاه های رژیم دست به تجمعات پی در پی و هرروزه زد تا

دهها فعال کارگری دیگر قدم جلو میگذارند و صدها نفر به تشکل های کارگری میپیوندند. کارگران، خانواده های کارگری و مردم مبارز سندان همانگونه که تاکنون بارها نشان داده اند میتوانند با اقدامات اعتراضی خود دستگاه های امنیتی و سرکوب حکومت را فلج کنند و الگوی خوبی برای مردم در سایر شهرها بشوند.

تا کنون فعالین تشکلهای

کارگران زندانی را بر عهده دارند. با شعار نویسی در همه جا خواهان آزادی شریف ساعد پناه، مظفر صالح نیا، شیث امانی، کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی شویم. زنده باد اتحاد و همبستگی برای آزادی کارگران زندانی.

۲۷ دیماه ۹۰

۱۷ ژانویه ۲۰۱۲

کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند

گزارش از تجمع و اعتراض خانواده ها...



دستگیری اش، پس از مشاهده یک کارتن خواب ۳۵ ساله که شبها و در هوای بسیار سرد سنندج در مقابل محل کارش در کنار خیابان میخوابید، از اداره بهزیستی سنندج خواهان سرپرستی وی گردیده بود. اما پس از دو روز از انتقال این کارتن خواب به بهزیستی بار دیگر وی شبها را در کنار خیابان میخوابید. این موضوع موجب اعتراض شدید مظفر و اهالی محل گردید و مظفر طی تماسی با استاندار کردستان و رسانه های خبری در شهر سنندج اعلام کرد: این چه مملکتی است که یک انسان بی پناه در شبهای سرد زمستانی ناچار میشود در کنار خیابان بخوابد و خواهان رسیدگی به این موضوع شد. بدنبال این اعتراض از سوی مظفر، صدها نفر در محل زندگی مرد کارتن خواب در کنار خیابان گرد آمدند و رسانه های خبری نیز در محل حاضر شدند و از وضعیت مرد کارتن خواب اقدام به فیلمبرداری کردند و نهایتاً این خبر در شبکه های تلویزیونی محلی نیز پخش شد. بدین ترتیب مظفر صالح نیا را به خاطر اعتراض انسانی او به خوابیدن یک کارتن خواب در کنار خیابان و در هوای سرد زندانی و بازداشت کردند.

* بدنبال بازداشت مظفر صالح نیا خانواده او، کارگران عضو اتحادیه آزاد و جمعی از مردم سنندج هر روز در مقابل دادگاه برای آزادی او دست به تجمع اعتراضی زدند که مسئولین دادگاه با امروز و فردا کردن تلاش می کردند تجمع کنندگان را متفرق کنند. بعد از سه روز اعتراض و تجمع، ماموران نیروی انتظامی روز یکشنبه ۱۸ دیماه به خانه شریف ساعد پناه از فعالین کارگری شناخته شده و عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران

ایران ریخته و او را دستگیر می کنند و مقداری کتاب شخصی او را با خود می برند. طی آن چند روز مامورین نیروی انتظامی و امنیتی جمهوری اسلامی در وحشت از اعتراضات کارگری در تلاش برای دستگیری و زندانی کردن فعالین کارگری بودند تا بدینوسیله مانع پیوستن توده های وسیع کارگر به تشکل های خود و مانع گسترش اعتراضات کارگری شوند. دو هفته قبل از دستگیری مظفر صالح نیا، ماموران نیروی انتظامی رژیم محمد حسینی از فعالین کارگری در شهر دماوند را بازداشت کرده بودند.

* مجدداً روز دوشنبه ۱۹ دیماه و در ادامه تجمعات اعتراضی روزهای قبل، کماکان جمعیتی از مردم سنندج به همراه خانواده های شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از ساعت ۹ تا ۱ بعدازظهر در مقابل دادگاه سنندج تجمع کردند و خواهان آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی شدند. قرار بود روز دوشنبه شریف و مظفر را به دادگاه بیاورند ولی این قرار را عملی نکردند و آنها را در زندان نگه داشتند. در ضمن طی تماسی از داخل زندان، شریف ساعدپناه اعلام کرد که او حاضر نیست هیچ وثیقه ای برای آزادی خود بپردازد، چرا که او مرتکب هیچ جرمی نشده و خواهان آزادی بی قید و شرط خود شده است.

* روز چهارشنبه ۲۱ دیماه باز هم مردم سنندج، خانواده کارگران بازداشت شده، همراه با اعضای اتحادیه آزاد و دیگر فعالین کارگری همچون روزهای گذشته در مقابل دادگاه برای آزادی کارگران زندانی تجمع کردند. مردم معترض از صبح تا ساعت ۲ بعد ازظهر با حضور

خود در مقابل دادگاه خواهان آزادی کارگران زندانی شدند، اما خبری از آوردن شریف ساعدپناه و مظفر صالح نیا به دادگاه نشد و به تجمع کنندگان اعلام شد که پنجشنبه، جمعه و شنبه دادگاه تعطیل خواهد بود و در نتیجه روز یکشنبه آنها را به دادگاه خواهند آورد. در همین رابطه خانواده های این کارگران، اعضای اتحادیه و دیگر فعالین کارگری در شهر سنندج اعلام کرده اند چنانچه هفته آینده این دو کارگر زندانی آزاد نشوند اعتراضات خود را تشدید خواهند کرد.

در همین رابطه و بنا به خبری که اتحادیه آزاد کارگران منتشر کرد، ماموران امنیتی رژیم در سنندج در بازرسی از منازل کارگران بازداشتی، بر این تلاش بر آمدند که بولتن خبری اتحادیه را بمثابة "سند جرم" بعنوان بهانه ای برای بازداشت آنان علم کنند.

* روز پنجشنبه ۲۲ دی ماه خانواده کارگران زندانی همچنان به تجمع خود در مقابل ستاد خبری ادامه دادند. بنا به اخبار روز پنجشنبه، شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا کارگران زندانی در سنندج، از زندان مرکزی این شهر به حراست اطلاعات سپاه منتقل شدند. این نقل و انتقال نگرانی خانواده و همکاران شریف و مظفر را بیشتر کرد.

* این در حالی بود که یک روز قبل از آن یعنی روز چهارشنبه ۲۱ دیماه مسئولین دادگاه به تجمع کنندگان وعده دادند که روز دوشنبه مظفر صالح نیا و شریف ساعد پناه را به دادگاه خواهند آورد اما در اوج بی شرمی آنان را روز پنجشنبه ۲۲ دیماه به حراست سپاه که محل اذیت و آزار و شکنجه بازداشت شده گان است منتقل کرده اند.

بنا اخباری که در سایت اتحادیه منتشر شد، روز یکشنبه اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران بازنشسته کارخانه شاهو، کارگران اخراجی ریسندگی پرریس، نساجی کردستان، کارگران فلز کار و ساختمان و کارگران دست فروش سنندج هر کدام با امضای طوماری خواهان آزادی شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا شدند. بنا به این خبر جمع آوری این امضاها در میان کارگران سنندج ادامه دارد.

* همچنین بنا به خبری که روز یکشنبه ۲۵ دیماه به کمیته کردستان حزب رسید، در ادامه تجمعات هفته گذشته برای آزادی شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا در سنندج، در همین روز از ساعت نه و نیم صبح تا سه و نیم بعد ازظهر خانواده شریف ساعد پناه، مظفر صالح نیا و تعدادی از مردم شهر سنندج در مقابل ستاد خبری جمهوری اسلامی به تجمع خود ادامه دادند و خواهان آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی شدند. با فشار خانواده ها و اعتراض مداوم آنان، نیروهای ستاد خبری مجبور شدند تقاضای نیروی کمکی کنند. نیروهای سرکوبگر رژیم اول خواستند با تهدید به دستگیری تجمع کنندگان آنان را متفرق کنند اما در مقابل اعتراض یکپارچه و متحد تجمع کنندگان ناچار به عقب نشینی شده و مجبور شدند که یکی از مسئولین خود را به میان جمعیت بفرستند و قول دادند که روز دوشنبه به آنها جواب قطعی خواهند داد. خانواده کارگران زندانی بعد از چندین ساعت تلاش و مقاومت در مقابل تهدید و فشار نیروهای سرکوبگر رژیم در ساعت سه و نیم بعداز ظهر به تجمع خود خاتمه دادند، اما بار دیگر تاکید کردند که تا آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی، آنان به تجمعات خود ادامه خواهند داد و روز دوشنبه نیز با نیروی بسیار بیشتری به اعتراض خود در مقابل ستاد خبری ادامه خواهند داد.

* روز دوشنبه ۲۶ دیماه خانواده های شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا و جمعی از فعالین تشکل های کارگری در مقابل اداره حراست رژیم اسلامی در شهر سنندج

دست به تجمع اعتراضی زدند و همچنان خواهان آزادی آنها شدند. ماموران مستقر در اداره حراست برای مقابله با مردم گارد ویژه را خبر کردند اما از درگیری با تجمع کنندگان خودداری کردند و در مقابل روحیه مصمم خانواده ها و فعالین تشکلهای کارگری و پافشاری آنها برای آزادی عزیزانشان قول دادند هر چه سریعتر در مورد پرونده آنها به مردم جواب بدهند. تجمع کنندگان به تجمع خود پایان دادند اما اعلام کردند تا آزادی عزیزانشان به تجمع خود همچنان ادامه خواهند داد.

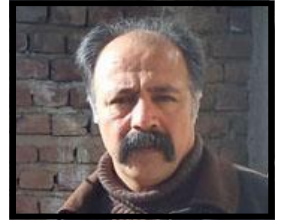
بدنبال این تجمع شیت امنیتی از فعالین کارگری در شهر سنندج همراه با یکی دیگر از فعالین کارگری به دادگاه رفتند تا خواست خود را مبنی بر آزادی کارگران زندانی پیگیری کنند اما مسئولین دادگاه بجای پاسخ به آنها نیروی انتظامی را خبر کردند و شیت امنیتی را به بهانه اینکه خودش هم پرونده دارد دستگیر کردند.

تا زمان تنظیم این گزارش نه تنها از آزادی شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا خبری نیست بلکه شیت امنیتی از بنیانگزاران اتحادیه آزاد کارگران ایران که روز دوشنبه ۲۶ دیماه برای پیگیری پرونده کارگران زندانی به دادگستری مراجع کرده بود را بازداشت کردند.

تعرض اخیر ماموران و نهادهای سرکوبگر رژیم به فعالین کارگری نشاندهنده هراس و وحشت رژیم از محبوبیت فعالین کارگری و تشکلهایشان است. فعالین کارگری نه تنها مجرم نیستند بلکه بخاطر دفاع از خود و هم طبقه ای هایشان، دفاع از کارتن خوابها و کرامت انسانی آنها بازداشت و زندانی شده اند. مجرم واقعی سران و دست اندرکاران رژیمی هستند که سود حاصله از فروش نیروی کار کارگران را میلیارد میلیارد جیب می زنند، جامعه را به فقر و فلاکت بی حد و حصر کشانیده اند و ماهها دسترنج کارگران را پرداخت نمی کنند.

تجمع اعتراضی مردم تا آزادی کارگران زندانی را باید گسترده تر از پیش ادامه داد. خانواده های کارگران زندانی، تشکلهای و فعالین کارگری و مردم سنندج مصمم هستند که تا آزادی عزیزانشان از چنگال جنایتکاران اسلامی به تجمع

شیث امانی چهره محبوب و از رهبران کارگری شناخته شده در شهر سنندج دستگیر شد تجمعات و جمع آوری طومارهای اعتراضی برای آزادی کارگران زندانی در شهر سنندج ادامه دارد



شیث امانی

بنا بر خبر منتشر شده در سایت اتحاد، شیث امانی از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در حالیکه ظهر امروز ۲۶ دی در دادگستری این شهر پیگیری پرونده کارگران زندانی شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا بود، بازداشت و به زندان مرکزی شهر منتقل گردید. قضیه از این قرار است که امروز ۲۶ دیماه همانند روزهای دیگر خانواده های شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا به همراه دیگر خانواده های کارگری مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات شهر سنندج تجمع کرده و خواهان آزادی کارگران

زندانی شدند. آنها از ساعت نه و نیم صبح در آن محل اجتماع کرده و برای چند ساعت خیابان جلوی این محل را به اشغال خود درآوردند. بطوریکه نیروهای سرکوبگر رژیم ناگزیر مسئول این ستاد را به میان جمعیت فرستادند و قول بررسی قطعی وضعیت کارگران زندانی تا روز پنجشنبه را دادند. اما تجمع کنندگان به این وعده ها توجهی نکرده و بر آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی پافشاری کردند. زیر فشار این اعتراضات مقامات زندان ناگزیر شدند از طریق تلفن ارتباط شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا را با خانواده هایشان برقرار کنند. این کارگران در تماس تلفنی شان گفتند که به آنان گفته است که به طور قطع تا روز پنجشنبه وضع آنها روشن خواهد شد. خانواده شریف و مظفر و مردم همراهشان با شنیدن

این سخنان محل ستاد خبری را ترک کردند و اعلام کردند که ما روز چهارشنبه به تجمعات خود ادامه خواهیم داد.

بدنبال این تجمع شیث امانی از رهبران شناخته شده کارگری در شهر سنندج به همراه تعدادی از اعضای این اتحادیه به دادگستری سنندج مراجعه کردند. شیث در آنجا خواهان ملاقات با دادستان و روشن شدن اتهامات وارده بر کارگران زندانی شد. اما نه تنها به وی پاسخی داده نشد بلکه حدود ساعت ۲ بعد از ظهر ماموران اطلاعاتی رژیم او را نیز دستگیر و به زندان مرکزی انتقال دادند.

بدین ترتیب در حال حاضر مظفر صالح نیا، شریف ساعد پناه و شیث امانی سه چهره محبوب و شناخته شده کارگری در زندان مرکزی شهر سنندج در بازداشت جمهوری

اسلامی قرار دارند. باید با تمام توان برای آزادی این کارگران و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان تلاش کنیم

خانواده های کارگران زندانی و مردم معترض در سنندج، بدنبال تجمع امروز خود نیز اعلام داشتند که تا آزادی بدون قید و شرط کارگران دستگیر شده از زندان به تجمعات خود ادامه خواهند داد. باید وسیعا به این تجمعات اعتراضی پیوست.

در کنار تجمعات اعتراضی برای آزادی کارگران زندانی در سنندج ما شاهد جمع آوری طومارهای اعتراضی از سوی کارگران در مراکز مختلف کارگری و در سطح این شهر هستیم. از جمله تا کنون طومارهایی اعتراضی و با خواست آزادی کارگران زندانی از سوی کارگران بازنشسته کارخانه شاهر،

کارگران اخراجی ریسندگی پریس، نساجی کردستان، کارگران فلز کار و ساختمان و کارگران دست فروش سنندج نوشته شده و جمع آوری این طومارها ادامه دارد، باید وسیعا و از تمام مراکز کارگری در تمام شهرها به این حرکت اعتراضی پیوست. دستگیری شیث امانی، مظفر صالح نیا، شریف ساعد پناه در سنندج و محمد حسینی در دماوند را که در فاصله يك ماه اخیر روی داده است، وسیعا محکوم کنیم. با تمام قوا برای آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تلاش کنیم.

کمپین برای آزادی
کارگران زندانی

۲۶ دی ۱۶،۹۰ ژانویه ۲۰۱۲

راه چاره خودکشی نیست!



آوات فرخی

ولی همین زنان که جمهوری اسلامی از ابتدای تحمیل سایه سیاهش که به روی آنان شمشیر کشیده است، حضور و موجودیت آنان به کابوسی برای حکومتش تبدیل شده است. جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان و مردان بارها و بارها پیکر نظام ترک خورده و در حال سقوط مرتجعین و دارو دسته اوباش اسلامی و دم و دستگاه شکنجه و سرکوبش را لرزنده است.

از بین بردن فیزیکی خود و پایان دادن به زندگی خویش راه چاره نیست. بانی و مصعب این خودکشی ها فقط و فقط جمهوری سیاه اسلامی است. اگر شرمین از حداقل حقوق انسانی و اجتماعی برخوردار بود، اگر همسرش شغل مناسبی داشت و در حسرت تامین نیاز زندگی در فقر و فلاکت بسر نمی برد، بی گمان راه خودکشی را انتخاب نمی کرد. نظام، قوانین و فرهنگ حاکم بر جامعه انسانها و بویژه زنان را از فرط یاس و ناامیدی بسوی خلاصی از وضع نکبت بار موجود سوق می دهد.

ما زنان و مردان عاصی از

طبق خبری که چند روز پیش دریافت کردم در محله کمر بندوی شهر سنندج زنی ۳۰ ساله به اسم شرمین ناوخاصی دارای دو فرزند به دلیل اختلاف با همسرش خود را حلق آویز می کند و متاسفانه جانش را از دست می دهد.

چنین رویدادی در زیر سایه سیاه حکومت منحوس اسلامی اولین و آخرین واقعه دردناکی از این نوع نبوده و نیست. اختلاف با همسر می تواند به قیمت از دست دادن جان یک انسان آنهم زن تمام شود. چه بسیارند زنان بی پناهی که کوچکترین روزنه امید و حمایتی در زندگی ندارند و حتی حقشان بعنوان یک انسان برسمیت شناخته نمی شود. وقتی جمهوری اسلامی روزانه از رسانه ها و هزاران تریبون دیگر و بوسیله آخوندهای فاسد، دزد، جنایتکار و زن ستیز، زن کشی را تبلیغ و ترویج می کند واقعا زنانی مثل شرمین چقدر خود را تنها و بی پناه می یابند که دست به خودکشی میزنند؟ ضدیت با زنان و پایمال شدن حقوق انسانی آنان جزئی جدایی ناپذیر از هویت و از مشخصه های جمهوری اسلامی است.



نکبت اسلامی در میدان نبرد با این بختک سیاه هستیم و بارها آنان را به زانو در آورده ایم. قدرت و توانایی خود را برای ساقط کردن رژیم بارها نشان دادیم و دور نیست روزی را که همانند ۶ دی ماه ۸۸ حماسه ای دیگر بیافرینیم که این بار به نابودی حکومت اسلامی با همه جناحها، باندها و دسته جات آن بیانجامد. باید متحد و یکپارچه در میدان بمانیم و نگذاریم يك لحظه کابوس سرنگونی از ذهنشان پاك شود تا دیگر زنانی مثل شرمین به خاطر اختلاف با همسر مجبور به خودکشی نشوند و بتوانیم جامعه ای برقرار کنیم که زنان و مردان آزاد و برابر در کنار هم انسانی زندگی کنند.*

دولت و روبنای سیاسی / فرهنگ، ایدئولوژی و اخلاق ادامه بخش یک از فصل دوم / برنامه یک دنیای بهتر

دولت و روبنای سیاسی

سخنگویان جامعه بورژوازی چنین قلمداد میکنند که دولت یک نهاد ضروری است که برای اداره جامعه بر مبنای منافع عمومی و مشترک کل اعضای جامعه شکل گرفته است.

نهادی که گویا اراده جمعی مردم را منعکس میکند و قدرت مشترک اعضای جامعه را به عمل در میآورد. گفته میشود که قوانین حاکم مجموعه ای از اصول بدیهی و طبیعی و مورد توافق آحاد جامعه اند و دولت ضامن و مجری این قوانین است. تصویر کردن دولت بعنوان یک نهاد مستقل و مافوق منافع طبقاتی متضاد درون جامعه، یک رکن اساسی ایدئولوژی بورژوازی است. این تلقی از دولت بویژه در کشورهای پیشرفته غربی که نظام پارلمانی با ثبات تری داشته اند ریشه قوی تری در میان مردم دارد. اما در کشورهای عقب مانده تر هم، علی‌رغم حاکمیت دولت های استبدادی و پلیسی، و علی‌رغم بدبینی عامه به دولت هایی که بر سر کار هستند، نفس لزوم دولت مورد سوال نیست و تلقی مردم از دولت بعنوان نهادی که وظیفه مدیریت جامعه را برعهده دارد به همان درجه قوی و ریشه دار است. گسترش نقش اقتصادی دولت ها و بویژه دخالت آنها در قلمرو خدمات اجتماعی و مدیریت و کنترل اقتصادی در چند دهه اخیر بشدت بر دامنه این توهمات افزوده است.

واقعیت اینست که دولت مهم ترین ابزار طبقه حاکمه برای تحت انقیاد نگاهداشتن توده های تحت استثمار است. تاریخا ظهور دولت حاصل بوجود آمدن استثمار، پیدایش طبقات و تقسیم جامعه به طبقات استثمارگر و تحت استثمار بوده است. علی‌رغم همه پیچیدگی ها در ساختمان دولت های امروز، دولت همچنان دستگاهی برای اعمال زور است و ارتش ها و دادگاه ها و زندان ها شالوده اساسی آن را تشکیل میدهند. دولت قوه قهریه سازمان یافته طبقه حاکمه است. دولت ابزار

اعمال حاکمیت طبقاتی است. هر دولتی، مستقل از هر فرم و ظاهری که بخود پذیرفته باشد، چه سلطنت و چه جمهوری، چه پارلمانی و چه استبدادی، ابزار اعمال دیکتاتوری طبقه یا طبقات حاکم است.

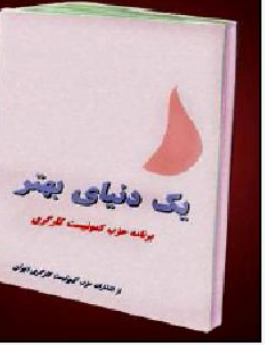
در هر نظامی، حتی در خشن ترین برده داری های اعصار گذشته که در آن تعلق طبقاتی دولت پنهان نمیشد، طبقه حاکم نیاز داشته است مبنایی برای مشروعیت دولت خود بدست بدهد. سلطنت و حکومت موروثی، حکومت اشرافیت، حکومت مذهبی و الهی، قالب هایی برای این کسب مشروعیت بودند. در جامعه سرمایه داری، جامعه مبتنی به بازار که در آن کارگر و سرمایه دار عناصری "آزاد" تصویر میشوند که علی الظاهر پا به مبادله ای داوطلبانه و برابر میگزارند، حق رای و پارلمان و نظام انتخاباتی قالب اصلی کسب مشروعیت برای حاکمیت طبقاتی بورژوازی است. ظاهر مساله اینست که دولت ابزار حکومت همه مردم است و با رای مستقیم خود مردم تشکیل میشود. حق رای، انتخابات و پارلمان قطعاً از نظر تاریخی دستاوردهای مهمی در تلاش مردم کارگر برای گسترش حقوق مدنی خویش محسوب میشوند. بدیهی است که زندگی در یک نظام لیبرالی بورژوازی به مراتب از زندگی در یک رژیم پلیسی و استبدادی قابل تحمل تر است. اما این قالب ها نمیتوانند ماهیت طبقاتی دولت معاصر را پنهان کنند. توده وسیع مردم کارگر حتی در پیشرفته ترین، با ثبات ترین و آزاد ترین نظام های پارلمانی، از کمترین قدرت تاثیر گذاری بر سیاست ها و اقدامات دولت برخوردارند. نظام پارلمانی توانسته است با اعمال خنثون کمتر و با دست بدست کردن مقامات دولتی میان بخش های مختلف طبقه حاکم از مجرای انتخابات عمومی دوره ای، حاکمیت بی چون و چرای کل بورژوازی بر حیات سیاسی و اقتصادی جامعه را تضمین کند. دموکراسی پارلمانی نه مکانیسمی

برای دخالت مردم در امر حاکمیت، بلکه ابزاری برای کسب مشروعیت برای حاکمیت و دیکتاتوری طبقه بورژواست.

فرهنگ، ایدئولوژی و اخلاق

استثمار و تبعیض و بی حقوقی در ابعادی اینچنین عظیم، و در اشکالی اینچنین عیان، بدون تسلیم و رضایت توده وسیع خود استثمار شوندگان و بدون موجه قلمداد شدن این مناسبات در اذهان خود قربانیانش سر پا باقی نمیماند. توجیه کردن این وضعیت، ابدی و ازلی و طبیعی قلمداد کردن آن و ترساندن و برحذر داشتن فرودستان جامعه از شورش علیه این مناسبات، وظیفه روبنای فکری و فرهنگی و اخلاقی در این جامعه است. زرادخانه فرهنگی و اخلاقی بورژوازی علیه آزادی و رهایی انسان عظیم و خیره کننده است. بخشی از این ابزارها از اعصار کهن به ارث رسیده اند، اما مطابق نیاز جامعه بورژوایی نوسازی و بازسازی شده اند. ادیان و مذاهب رنگارنگ، عواطف و تعصبات اخلاقی جاهلانه، قوم پرستی، نژادپرستی، مردسالاری، همه و همه حربه های فکری و فرهنگی طبقات حاکمه در طول تاریخ برای خفه کردن و سرزیر نگاهداشتن توده کارکن جامعه بوده اند. همه اینها در اشکال نوین و ظرفیتهای تازه، در عصر ما در خدمت مصون داشتن مالکیت و حاکمیت بورژوایی از تهدید آگاهی و تعقل و نقد طبقه کارگر و مردم تحت استثمار قرار دارند.

اما آنچه خود جامعه بورژوایی بر ابزارهای فکری و فرهنگی انقیاد افزوده است به مراتب عظیم تر و کارآمدتر است. منفعت پرستی فردی و رقابت، یعنی منطق حرکت بورژوا در قلمرو بازار، طبیعت انسان بطور کلی شمرده میشوند و بعنوان ارزش های والای بشری تقدیس میگردد. در این جامعه رابطه میان انسان ها، انعکاس و تابعی از رابطه میان کالاهاست. شان و ارزش انسان



از طریق سایت زیر به کتاب
یک دنیای بهتر

می توانید دسترسی پیدا کنید.

www.wpiran.org

حزب کمونیست کارگری ایران

آرشیو عمومی منصور حکمت

www.hekmat.public-archive.net

روزه توده میلیونی مردم با ایده های بورژوایی، در اشکالی موثرتر، پیچیده تر و متنوع تر میدان داده است. پیدایش وسائل ارتباطات جمعی، انفورماتیک و شبکه های رادیو تلویزیونی ماهواره ای در دو

دهه اخیر، که گرد آوری و انتقال سریع اطلاعات را در سراسر جهان بشدت تسهیل کرده است، در دست بورژوازی به یک ماشین عظیم پخش سوء اطلاعات، تحمیل عقاید و تحریک مردم در یک مقیاس صدها

میلیونی بدل شده است. رسانه های جمعی و صنعت نمایش، که خود از سودآورترین قلمروهای حرکت سرمایه اند، بخش زیادی از نقش سنتی نهاد خانواده، سلسله مراتب مذهبی و حتی ارگانهای سرکوب در جامعه را برعهده گرفته اند و در حفظ موازنه ایدئولوژیکی موجود در جامعه، انتقال افکار و معنویات و اخلاقیات حاکم به توده مردم، کنترل فکری و مهندسی اذهان آنها، منفرد کردن و ارباب آنها و خنثی کردن ایده ها و تمایلات انتقادی در جامعه نقش روزافزونی بازی میکنند. این نهادها و اشکال مدرن کنترل فکری و فرهنگی جامعه، یک رکن اساسی ثبات سیاسی جامعه بورژوایی بویژه در شرایط بحران، بی افقی و بالاگرفتن ناراضیتهای عمومی است.

مبارزه علیه افکار و آرا و اخلاقیات ارتجاعی حاکم بر جامعه یک بعد همیشگی مبارزه طبقاتی کارگران و یک وظیفه خطیر جنبش کمونیستی کارگری بوده است.*

ها را جایگاهشان در رابطه با مالکیت تعیین میکنند. بورژوازی تمرکز و آرایش محلی و محدود جامعه کهنه را در هم شکست و کشورها را سازمان داد.

ناسیونالیسم و میهن پرستی مدرن بورژوایی، بعنوان قوی ترین طوق ایدئولوژیکی طبقات حاکم بر گردن توده مردم در طول تاریخ، بجای قوم پرستی و عشیره گری و هویت محلی نشست.

افکار حاکم در هر جامعه، افکار طبقه حاکم است. اما حاکمیت و کنترل فکری و فرهنگی و اخلاقی بورژوازی بر حیات جامعه امروز از نظر دامنه و عمق بی سابقه است. انقلابات علمی و فنی و صنعتی عظیمی که در طول دو دهه سال گذشته صورت گرفته است و مکانیسم قدرتمند بازار که هر مرز ملی و قومی و سیاسی و فرهنگی را درمی نوردد، بورژوازی را در حفظ حاکمیت ایدئولوژیکی و اشاعه اصول و باورهای خرافی خویش در مقیاس جهانی از امکانات وسیعی برخوردار ساخته است. در قلمرو تولید افکار و آراء نیز، درست نظیر قلمرو تولید محصولات، قدرت خلاقه انسان به حربه ای علیه خود وی بدل شده است. نوآوری ها و پیشرفت های بیشماری که در قرن بیستم در زمینه تحول قالب هاظ ادبی و هنری، تحول ابزارهای ارتباط جمعی سمعی و بصری و کامپیوتری و گسترش عرصه های مختلف فعالیت فرهنگی، صورت گرفته است، در درجه اول، به بمباران هر

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!